

سخنران : غلامعباس زارع ميرك آباد

معاون صنايع و معادن بنياد مستضعفان و جانبازان

انقلاب اسلامي

موضوع سخنراني : اشتغال جانبازان در صنايع

انسانها زندگيشان و حتى مرگشان با هم مشابه نيست مرگهائى هست كه ممكن است يكي از دنيا برود و نه تنها مورد تأثر افراد واقع نميشود و نه تنها باعث ترحم افراد نميشود حتى خيليها ممكن است خوشحال شوند كه اين عنصر از دنيا ميروود در حالى كه با نفرت همراه است . اين مرگهائى گاهى اوقات يك آدمى از دنيا ميروود مثلاً " بعد از يك عمر طبيعى ۸۰ سال يا ۹۰ سال عمر خود را كرده از دنيا ميروود، يك مرگ عادي است نفرتى از آن نيست ، قابل ترحم هم نيست و تحسين برانگيز نيز نيست عمر طبيعى را كرده از دنيا ميروود يك نوع مرگ داريم كه نوع سوم است . بر اثر حادثه ، سيل ، زلزله ، تصادف و از اين قبيل مشكلات در سنين جوانى و نوجوانى از دنيا ميروود اين مرگ تحسين برانگيز نيست اما قابل ترحم است و دلسوزى كسانيرا كه در جريان قرار ميگيرند در بردارد . در نوع چهارم يك سري مرگهائى داريم كه افراد براى خود انتخاب ميكنند آن مرگهائى تحسين برانگيز است و خـود بهـترينـ حـياتـ اسـت . مجموعه كسانىست

که برای يك هدف مقدس الهی و انسانی جان خود را از دست میدهند این نوع مرگها تحسین برانگیز و مقدس است. فرض کنیم امدادگری که برای نجات یکنفر از آتش و یا سیل وارد عمل میشود و احیانا " جان خود را از دست میدهد مرگ است ولی مرگ تحسین برانگیز و هرکس بشنود تقدیر میکند از آن انسانی که چنین روشی را برای مُردن انتخاب کرده. آنکس که برای دفاع از اعتقاد اتش و ملتش و کشورش و ناموسش جانفش را درکف اخلاص میگذارد و حضور پیدا میکند در مقابل دشمن در حالی که احتمال از دست دادن جان و یا معلولیتش زیاد است این نمونه و الای مرگ با تحسین است هرکس بشنود درهرجا تحسین میکند. معلولیتهایی هم که داریم شامل این دسته بندی ها میشوند.

يك سري معلولیت هستند که ممکن است معلول باشند ولی اصلا " قابیل ترحم نباشند. در آن کار متوهم باشند. در زمان قدیم برای آنکه خدمت سربازی نروند بعضا " يك ناخن را قطع میکردند، و بخاطر قطع ناخن يك انگشت معلول شده به سربازی نمیرفتند. این نوع معلولیت نه تحسین برانگیز است و نه قابل ترحم با آن از نظر ارزشی برخورد منفی میشود در نوع دیگر يك وقتی يك کسی بر اثر سیل زلزله و تصادف عدم استفاده از داروهای مناسب عدم مراجعه به وقت به پزشك یا بصورت مادرزادی معلولینی دارد معلول است. تحسین برانگیز نیست ولی قابل ترحم است.

آدم دلش میسوزد و میخواهد به او کمک کند . معلولینی که ما در جمع جانبازان داریم از آن نمونه های والای تحسین برانگیز است و خیلی فرق دارند با بقیه ، لذا من در بخش اول عرایض این تفاوتها را به محضر حضار محترم عرض کنم . کسانی را که ما بعنوان جانباز داریم که به تعبیری این عزیزان معلولین انقلاب نیستند بلکه علت های انقلاب هستند اینها بیش از من و شما توان بدنی داشتند بیش از من و شما شجاعت و جرأت داشتند ، در صحنه ها حاضر شدند با اوج توان فعالیت و در نهایت ایثار بعنوان جانباز جنگ برگشتند . حالا آن روح بلند و ارزشمند و کار کرده و نترس و بدو که همه جا حضور داشتند مخصوصاً " کسانی که حتی بعد از معلولیتشان در جنگ باز هم شرکت کردند در جنگ و برای بار دوم و چندمین بار معلولیتشان در صدمه یا آآمده اینها کسانی هستند که اصلاً آن بحث ترحم مطرح نیست یعنی اگر آدم بخواهد نگاه کند آنها را نمیتواند مستقیماً " توی چشمشان نگاه کند آنها باید بما ترحم کنند و وقتی وارد اتاق میشوند آدم خجالت میکشد و احساس میکند میخواهد به کارفرمایانش جواب بدهد به به ارباب رجوعش . ما هم از نظر کمی از نظر تعداد به توجه به آمارهائی که ارائه شده و هم از نظر کیفی در بنیاد بخش عمده معلولین و جانبازان را در بر داریم این وظیفه مقدس که قبلاً در بنیاد شهید انجام وظیفه میشد از اول سال ۶۸ بفرمان حضرت امام قدس سره الشریف

به بنیاد مستضعفان و جانبازان محول شد تا بنیاد با امکاناتی که دارد... بتواند بیشتر به این مجموعه ای که برای انقلاب خیلی فداکاری کرده اند خدمت عرضه کند. يك نکته مهم اینجاست آنکه این مسئولیت به ایمن معنی نیست که هیچ سازمان و دستگاهی وظیفه ای در قبال جانبازان ندارد، ما متولی امریم و پیگیری امریم و امکاناتی هم در این راه میگذاریم اما همه ارگانها و نهادها و وزارتخانه ها در حد خود مسئولند. بودجه ای که امسال برای هزینه های مربوط به جانبازان در بنیادپیش بینی شده. در سال ۶۹ حدود چهارده میلیارد تومان است در صورتیکه در سال قبیل ۴ میلیارد تومان بوده و در ۲ سال گذشته آمار جانبازان تغییری عمده نداشته است. فقط اخیراً "آزادگان جانباز اضافه شده اند."

با وجود این ما بجائی نمیرسیم يك تقاضائی که من از جمع عزیزان حاضر میخوام بکنم و انشاالله همه جا منعکس بشود در این سمینار این تصور بین دستگاههای اجرایی و وزارتخانه ها اصلاً نباید باشد که مسئله جانبازان فقط وظیفه بنیاد است اگر دیگران امکاناتی دارند بروند و به سایرین برسند چون عرض کردم هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی ما بیشترین این بخش را داریم. ما تقاضا میکنیم از سازمان بهزیستی و وزارت کار که در مجموعه برنامه هایشان مدد ما هم باشند و بسیاری از وزارتخانه ها در امر جانبازان جدی کمک کرده اند. من نام ببرم، مثلاً "از وزیر محترم

صنایع جناب آقای نعمت‌زاده خودشان زنگ زدند و گفتند بیایید اینجا ما برای شما چکار میتوانیم بکنیم خوب این انتظار را ما واقعا " از همه مجموعه ها برای این کار داریم . این عرض اول بنده است . بخش دوم ما تا بحال برای اشتغال جانبازان چه کرده ایم و چه برنامه هایی داریم . در بنیاد ۲ بخش کاملاً " مجزا وجود دارد يك بخش از بنیاد بخشهای اقتصادی است که باید ایجاد درآمد کند یکی از مهمترین واحدهای این بخشش ، معاونت صنایع و معادن است که خدمت در آن بخش توفیقی است برای من با حدود ۱۵۰ واحد صنعتی و ۵۰ طرح جدیدك معاونت های - دیگر کشاورزی ، عمران ، هتلها و مراکز سیاحتی و تفریحی و املاک و مستقالات که اینها واحدهائی هستند که درآمد را برای بنیاد ایجاد میکنند و البته گرفتار بدهیهای زیادی به بانکها و دیگران نیز هستند که انشاالله ۰۰۰ تسویه خواهد شد . بخش دیگری در بنیاد هست که با استفاده از این درآمدها هزینه های مربوط به جانبازان و مستضعفان را انجام میدهد . در این بخش يك معاونت داریم که البته حق بود که ایشان میآمدند در این سمینار، آقای ظریف منش که معاونت آموزشی و اشتغال بنیاد هستند، اینکه آموزش و اشتغال را ما در يك معاونت مستقر کردیم خود این يك مطلب مهم است و حرف دارد چون اشتغال و آموزش باید در ردیف هم قرار گیرند ما تجربه داریم که اگر يك جانباز را بدون آموزش بفرستیم برای کار و

اجبار کنیم که این جانباز حتما " باید در آنجا کار کند مؤثر نیست این بایدها در مسائل اقتصادی ثمر نمیدهد شما هم اگر برای معلولین میخواهید کار کنید اشتغال معلولین با " باید " بی پشتوانه اقتصادی جواب نمیدهد اینکه باید چند درصد جانباز یا معلول رابه خدمت بگیرند ثمر نمیدهد بلکه در مسائل اقتصادی اهرمها را مسئولین باید بنحوی تنظیم کنند تا به هدف برسند . مثلا " میخواهند برای معلول اشتغال ایجاد بشود بایسد به کارفرما هم امتیاز بدهند . فرض کنیم اگر کارفرما باید ۲۰ درصد برای کارگر حق بیمه بدهد اگر این فرد معلول بود بجای ۲۰ درصد بگذاریم ۱۵ درصد یا ۱۰ درصد ، کارفرما بیشتر نپردازد این مازاد را دولت تقبل کند اگر محدودیت است در استخدام بگوئیم که این محدودیت برای اینکار معلولین نیست اگر موافقت اصولی رادر داخل شهر نمیدهند و باید سرمایه‌گزار به خارج شهر برود بگوئیم اگر درصدی معلول گرفتی میتوانی داخل شهر هم - ایجاد صنعت کنی . فرضا " وزارتخانه این مزایا را بهت میدهد اگر یک چنین اهرمهایی پیش بینی شود کار به ثمر میرسد مابا آنکه اهرمها دست خودمان است و صنایع بنیاد دست خودمان ، ولی میدانیم اگر يك جانباز بدون آموزش برود سر کار ، همگن نیست در آنجا و نهایتا " کار ارزشمندی بهش نمیدهند و اگر بخواهند کار بالائی را بهش بدهند بعد از اینکه مدتی نتواند انجام بدهد خودش زده میشود و این زدگی بدتر از آن بود که سرکار نمیرفت چون قبلا " فکر میکرد کار برای او پیدا نمیشود و الان فکر

میکنند که از عهده آن کار بر نمیآید احساس میکند که توانائی آنرا ندارد این خطایش خیلی بیشتر است لذا ما در برنامه بنیاد بجای آنکه ۱۰۰ درصد به اشتغال پردازیم بیش از اشتغال به آموزش میپردازیم و معتقدیم که ما ممکن است در جامعه بیکاری داشته باشیم و داریم ولی در چه سطحی قطعاً " برای يك لیسانس حسابداری همه جا کار است و رودست میبرند و هرچند نفر لیسانس حسابداری را شما اگر به بنسده معرفی کنید برایش کار داریم در سطح کشور يك لیسانی حقوق همه جا کار دارد . يك متخصص کامپیوتر همه جا برایش کار هست . يك تراشکار در این مملکت میتواند روزی چند هزار تومان درآمد داشته باشد اما باید اینکار را بلد باشد ما فکر کردیم بجای آنکه به اینطرف و آنطرف فشار بیاوریم که آقا ترا بخدا به پیغمبر بیا ، ایشانرا بکار بگیر ، گفتیم بیائیم سطح معلومات را ببریم بالا و بجائی برسد که کارفرما بگوید ترا بخدایا برای ما کارکن ، ما کلاس کامپیوتر گذاشتیم برای جانبازان اولاً " وقتی کلاس را تشکیل میدهیم بین واحدهائی که نیاز دارند دعوا میشود . از همانروز اول تشکیل کلاس من چند مورد را شاهد بودم تمام شرکت کنندگان در کلاس بجای اشتغالشان مشخص شده بود و از قبیل نیروی متخصص را همه جا روی دست میبرند و بر دیده منت میگذارند پس يك کاری که ما انجام دادیم و واقعا " مؤثر بود آموزش بود . البته اینرا عرض کنم که چند روز پیش مقام معظم رهبری احضار کرده بودند ما را برای

برای اینکه ما پاسخ دهیم جناب آقای رفیق دوست رئیس محترم بنیاد، گزارش میدادند، آنجا گفتند که من هر جانبازی را که در هر سطحی بیاید و ادامه تحصیل بدهد با هر شرایطی امکانات میدهم و پایتختش را میبوسم بجای دستش، مقام رهبری که حالا خودشان يك جانباز انقلاب هستند، با يك حالت كاملاً "مخلصانه و عارفانه ای فرمودند اگر پایتخت داشته باشند؟ که برای ما معاونین بنیاد که آنجا بودیم این عنایت ایشان يك دنیایی بود. ما الان در دانشگاهها درصد بالائی جانباز داریم که حتی خودمان میرویم دانشگاه و امکانات ایجاد میکنیم و از دانشگاهها میآیند پیش ما و میگویند که چون شما جانباز دارید ما اینجا آسانسور نداریم و آسانسور را شما باید ایجاد کنید میگوئیم: "سما" و "طاعتنا" و کنار پله ها باید رمپ درست کنید ما میگوئیم بسم الله انجام میدهیم، بخش دیگر از کاری که ما برای اشتغال انجام میدهیم اینکه سعی کنیم افرادی را که امکاناتی میخواهند برای اشتغال خودکفا در اختیارشان بگذاریم. حتی ما در بخش مستضعفان بودنمان به کمیته امداد ما گفتیم که کلیه کسانی که کمیته امداد امام میخواهد برای ایشان کاردرست کند و ابزار میخواهند ما پول ابزار را میدهیم يك چیزی حدود ۶۰۰ میلیون تومان اگر اشتباه نکنم بنیاد تعهد کرده برای این قضیه حالا در داخل بنیاد باز این زمینه را داریم قسمت سوم اگر کسی باید برود دنبال کار در بخش جانبازان ما ارائه فکر میدهیم مثلاً "میخواهد برود موافقت

اصولی بگیرد و نمیداند موافقت چیست یا طرح چیست ما میگوئیم —
میخواهی بروی طرح بگیری این فرم را باید پرکنی اینطور باید کار بشود
میخواهد برود جواز بگیرد مایبگیرش هستیم . سوای این مجموعه —
اشتغال ، در بنیاد در بخش معاونت صنایع ما چند گروه داریم که هر
گروه صناعی را در بردارد . يك گروه را هم داریم که مسئولینش در سمنار
شما حاضر بودند و هستند . ایجاد صناعی شده که در آن فقط جانبازان
کار کند ، بالای ۸۰ درصد ، محلی برای کار کردن متمرکز جانبازان ، —
من شاید برای معلولین این روش را خیلی نپسندم اینکه محیط کار
يك جوری باشد که همه معلول باشند . شاید خیلی آدم نپسندد و لسی
برای جانبازان خیلی جالب است . يك وظیفه مهم دیگر ما داریم (اینکه
میگوئیم ما و شما با هم) جمع ما ، که این روحیه مقدسی را که توانست
کشورمان را در مقابل همه فشارهایی که از کانال عراق اعمال میشد حفظ
کنیم ، بیائیم این روحیه را نگه داریم ، چراغ را از بهر تاریکی نگهدار .
کویت با همه عظمتش نه در جغرافی ، عظمت دلار ، پول نفت ، عظمتی
که همه دنیا بهش کمک کردند همه دنیا بسیج شدند برای دفاع از کویت ،
۲ ساعت مقاومت کردو باخت و ما ۸ سال مقاومت کردیم و پیروز شدیم
این ارزش را باید حفظ کرد برای حفظ این ارزش آن مجموعه ها را که
ما داریم حدود ۴۲ صنعت که عمدتا " جانبازان کار میکنند و حدود ۵ میلیارد
تومان هزینه اش است و حدود ۵ هزار نفر در آن مجموعه ها شاغل خواهند

شد این خوبی را دارد که این بچه ها با هم هستند و حال و هوای جبهه را دارند و تاریخ آنجا را زنده نگه میدارند و این ارزش است برای آنها آنچه که مادر بخش صنعت انجام میدهد این است . طرحهایی است که نمونه هائیرا در نمایشگاه شما دیدیم . عمدتاً " روی کارهای الکترونیکی بعضاً " روی واحدهای ساخت توپ و سایل دیگر که در سراسر کشور است و اشتغال جانبازان را باهم بعهدہ دارد .

من وقت تمام شد از عنایتی که داشتید تشکر میکنم . انشاا... حاصل

سمینار مثبت و کارا باشد والسلام علینا وعلیکم وعلی عبادالله صالحین .